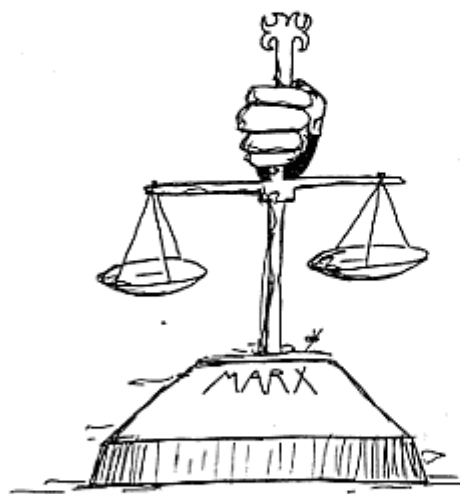


## متن سخنرانی فریدریش انگلس در مراسم بدرود با کارل مارکس

لندن، گورستان «های گیت»، ۱۷ مارس ۱۸۸۳



در ساعت دو و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر چهاردهم مارس، بزرگ‌ترین اندیشمند معاصر، از اندیشیدن باز ایستاد. تنها دو دقیقه تنه‌ایش گذاشته بودیم؛ در بازگشت او را در صندلی راحتی‌اش دیدیم که آرام، بسیار آرام، آرمیده بود و افسوس که این آرامشی بود ماندگار.

با درگذشت او، پرولتاریای مبارز اروپا و آمریکا، اندیشمند بزرگی را از دست داده است که فقدان او جبران‌ناپذیر است. با

گذشت زمان، فقدان این جان پرشور، ژرف‌تر و ژرف‌تر درک خواهد شد.

درست همان‌گونه که داروین قانون تکامل یا ماهیت موجود زنده را کشف کرد، مارکس نیز قانون تکامل تاریخ انسانی را کشف نمود؛ قانون با حقیقتی ساده که تا آن زمان

1. The Death of Karl Marx, table of contents, Marx, Engels Archive, Marxist writer's Archives.

جهان‌بینی‌های گوناگون و رو به افزایش از چشم مردم پنهانش می‌داشتند؛ باری این حقیقت که انسان پیش از آن که به سیاست، علم، هنر، دین و... بپردازد، باید بخورد، بنوشد و از سرپناه و پوششی برخوردار باشد. بنابراین به اعتقاد مارکس، تولید ابزار مادی و در نتیجه سطح رشد اقتصادی مردمی که در جامعه‌ای معین و در دوره‌ای معین زندگی می‌کنند، شالوده‌ای است که براساس آن، نهادهای دولتی، مفهوم‌های حقوقی و هنری و حتا باورهای دینی مردم شکل می‌گیرد و بسط می‌یابد. مارکس ثابت کرد در پرتو این شالوده یا زیرینا است که باید نهادهای دولتی، حقوقی، هنری و دینی را توضیح داد نه برعکس؛ آن‌گونه که تا پیش از مارکس، نظریه پردازی می‌شد.

اما این کشف، تمام دستاورد او نیست. مارکس، قانون‌های ویژه‌ای که شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری را پدید می‌آورند و نیز قانون‌های جامعه‌های بورژوازی را که در نتیجه‌ی این شیوه‌ی تولید پدید می‌آیند، کشف کرد. اقتصاددانان بورژوا و منتقدان سوسیالیست آن‌ها، سال‌ها، در تاریکی و به صورت کورمال کورمال به دنبال این قانون می‌گشتند. مارکس با کشف قانون «ارزش اضافی» بر این تاریکی پرتوی از نور پاشید.

کشف چنین قانون‌هایی می‌تواند، جان پرشور و مغز اندیشمند هر فرزانه‌ای را تسکین دهد. زندگی با هر انسانی که حتا یکی از این دو کشف را به انجام رسانده، بسی پرمهر بوده است. اما مارکس در بسیاری از زمینه‌های علمی به تحقیق و مطالعه پرداخته و مهم آن که در هر رشته‌ای که پژوهیده، حتا در ریاضیات، به کشف‌های بزرگی دست یافته است.

او چنین دانشمندی بود. اما همه‌ی آنچه گفتیم، حتا نیمی از شخصیت او را بیان نمی‌کند. به نظر مارکس، دانش نیروی تاریخی، پویا و انقلابی است. هر کشف نوینی در دانش‌های نظری، که کاربرد عملی آن، هنوز متصور نبوده او را به صورت وصف‌ناپذیری شادمان می‌ساخت؛ اما اگر این کشف، به تحولی انقلابی در صنعت و به طور کلی در تکامل تاریخی منجر می‌شد، شادمانی‌اش را پایانی نبود. برای نمونه او به طور بسیار دقیق و پی‌گیر، کشف‌های مربوط به الکتریسته و از جمله پژوهش‌های اخیر مارسل دپرز<sup>۱</sup> را تعقیب می‌کرد.

علت این امر را مقدم بر هر چیز باید در این حقیقت یافت که مارکس، بیش از پیش و هر چیز دیگر یک انقلابی بود. او هدف واقعیش را در زندگی، محور نظام سرمایه‌داری و نهادهای دولتی برخاسته از این نظام و نیز آگاهی بخشیدن به پرولتاریای انقلابی نسبت

1. Marcel Deprez

به جایگاه و نقش آن در آزادی خویش و کل بشریت می دانست. مارکس مبارز پی گیر و پرشوری بود که کم تر برای آن می توان ماندی یافت. آثار قلمی درخشان او در روزنامه هایی چون (Paris vorworts, 1844) (Deutsche Rheinische zeitung, 1842) (Brusseler zeitung, 1847) (the New York Neve Rheinische zeitung, 1848-49) Tribune, 1852-61 و نیز در نشریه های انقلابی پاریس، بروکسل و لندن و از همه مهم تر اهتمام او در تشکیل انترناسیونال اول کارگران، مجموعه ای را پدید می آورد که پدید آورنده اش - حتا اگر هیچ دستاورد دیگری نداشته باشد می تواند به آن افتخار کند.

مارکس انسانی بود که در طول زندگی درخشانش، بیش ترین اتهام ها و توهین ها را تحمل کرد. دولت های دیکتاتوری و جمهوری، او را از کشورهایشان راندند. بورژواها، چه محافظه کاران و چه ماورای دمکرات ها در زدن اتهام و ترویج نفرت نسبت به او، به رقابت با یکدیگر برخاستند. با این همه، او نسبت به تمام این زشتی ها و پلشتی ها، بی تفاوت بود و آن ها را چون تار عنکبوتی نادیده می گرفت. تنها زمانی به آن ها پاسخ می داد که ضرورتی انقلابی، آن را ایجاب می کرد.

کارل مارکس زمانی جهان را ترک گفت که ملیون ها کارگر انقلابی، از معدن های سیبری تا کالیفرنیا، از اروپا تا آمریکا عاشقانه دوستش داشتند و در فقدانش سوگوار شدند. با صراحت می گویم که گرچه این مرد، مخالفان بسیار داشت، اما حتای یک دشمن شخصی نداشت.

نام او و آثارش، تا مدت های طولانی زنده باقی خواهند ماند.